

شیوه‌نامه شرکت در پویش مطالعاتی
«بخون و بدون»



نام کتاب: درآمد پرماجرا

مترجم: علی اسماعیل پور

برچسب را بخرائید و پاسخ صحیح سوالات پشت برگه مسابقه را طبق الگوی زیر، به شماره ۳۰۰۰۸۶۹۹۷۷ ارسال کنید:

شماره آزمون	پاسخ سوالات
کد یازده رقمی ۲۶۳۱۵۷۲۹۴۸۰	۱۳۲۳۱۲۳۲۱۲

پاسخ سوال یک

• نکته ۱: شماره گزینه‌های صحیح باید پشت سرهم و بدون فاصله درج شود.



• نکته ۲: برای اطلاع از اخبار مسابقه و کسب اطلاعات بیشتر بارکد مقابل را اسکن کنید و یا در کانال ما در پیام‌رسان‌های داخلی با شناسه @ketabkhooub عضو شوید.

• نکته ۳: برای تهیه پیامکی کتاب می‌توانید عدد ۷ را به سامانه پیامکی ۳۰۰۰۸۶۹۹۷۷ ارسال نمایید.

جوایز: دویست میلیون ریال جایزه نقدی

مهلت شرکت در پویش: تا پایان اسفندماه ۱۴۰۲

• سایت فروش اینترنتی کتاب‌های پویش مطالعاتی «بخون و بدون»

www.5va7.ir



آزمون شماره ۱۷ □ پوش مطالعاتی «بخون و بدون»

۱. شهردار در مراسم در مورد آملیا چه گفت؟
 ۱. تلاش را باید از این دختر یاد بگیریم.
 ۲. اون خیلی باهوشه.
 ۳. چه دختر فوق العاده‌ای!
 ۴. زیبایی آملیا قابل تحسینه.
۲. نام شخصیت اصلی داستان چیست؟
 ۱. سوزان
 ۲. آملیا
 ۳. برنی
 ۴. کنی
۳. چرا آملیا در این داستان می‌خواهد پول به دست بیاورد؟
 ۱. برای خرید یک دوچرخه جدید
 ۲. برای پرداخت شهریه مدرسه
 ۳. کمک به امور خیریه
 ۴. برای خرید گل
۴. آملیا در ابتدای ماجرای «دوچرخه» دوچرخه‌اش را چطور توصیف می‌کند؟
 ۱. کند و قدیمی.
 ۲. عالی، سریع و مطمئن.
 ۳. تو رفته و زنگ زده.
 ۴. زشت و ناراحت کننده.
۵. مادر آملیا در جوانی چه شغلی داشت؟
 ۱. مدیر رستوران
 ۲. فروشنده
 ۳. سفال ساز
 ۴. خدمتکار رستوران
۶. اسم دکه لیموناد فروشی آملیا چه بود؟
 ۱. لیموناد با لیموی اضافه
 ۲. لیموناد شیرین
 ۳. کسب و کار آملیا
 ۴. لیموناد فروشی
۷. آملیا به دیانا چه پیشنهادی داد؟
 ۱. غایبیت را بچران.
 ۲. یک کسب و کاری راه بینداز.
 ۳. در رستوران کار کند.
 ۴. به دستورات پلیس گوش کند.
۸. وقتی «آملیا» به جای کیک برای «مایک» آب آورد، چه واکنشی نشان داد؟
 ۱. عصبانی شد و آب را قبول نکرد.
 ۲. آدم فهمیده‌ای بود و اشتباه آملیا را پذیرفت.
 ۳. از مدیر رستوران شکایت کرد.
 ۴. بدون اینکه چیزی سفارش دهد رستوران را ترک کرد.
۹. مهم ترین قانون رستوران چه بود؟
 ۱. ورود حیوانات ممنوع
 ۲. مدیر رستوران حق هرکاری را دارد.
 ۳. خدمتکار باید به همه کمک کند.
 ۴. همیشه حق با مشتری است.
۱۰. منظور آملیا از «خدایا رحمتت را نصیب ما بفرما» چه بود؟
 ۱. یک دوچرخه جدید
 ۲. نمره‌های خوب
 ۳. یک سفر باحال
 ۴. پول زیاد



۶. آملیا با دیدن لیمو ها نگران چه چیزی شد؟؟
۱. خیلی ترش بودند.
 ۲. لیموی کافی نداشت.
 ۳. لیموناد نداشت.
 ۴. نمی دانست با لیموها چه کند.
۷. خبرنگار در طول مصاحبه از آملیا چه پرسید؟
۱. سن او
 ۲. دستور العمل لیموناد او
 ۳. رنگ مورد علاقه او
 ۴. برنامه تلویزیونی مورد علاقه او
۸. در ابتدای کتاب کدام ضرب المثل را می توانید بخوانید؟
۱. نابرده رنج گنج میسر نمی شود، مزد آن گرفت جان برادر که کار کرد.
 ۲. از تو حرکت از خدا برکت.
 ۳. تو نیکی میکن و در دجله انداز که ایزد در بیابانت دهد باز.
 ۴. قطره قطره جمع گردد وانگهی دریا شود.
۹. گل مورد علاقه مادر آملیا چه بود؟
۱. ارکیده
 ۲. مریم
 ۳. رز
 ۴. بابونه
۱۰. پلیس به آملیا گفت چه تابلویی را بخواند؟
۱. حق همیشه با مشتری است.
 ۲. داخل چمن ها نروید.
 ۳. گل ها را نچینید.
 ۴. بچه ها آهسته تر.
۱. مدیر رستوران به آملیا چه نصیحتی کرد؟
۱. خوب درس بخواند.
 ۲. باید شغل ساده تری پیدا کند.
 ۳. دوچرخه را زودتر بخرد.
 ۴. هیچ وقت عجله نکند.
۲. منظور دینا از جمله «باید غاز بچروم» چی بود؟
۱. می خواست غازها را بچرخاند.
 ۲. یعنی بیکار شده.
 ۳. باید دامپروری راه بیندازد.
 ۴. گل بچینید.
۳. آملیا چگونه لیموناد خودش را تبلیغ کرد؟
۱. تلویزیون تجاری.
 ۲. آگهی های روزنامه.
 ۳. رسانه های اجتماعی.
 ۴. تابلوهای تبلیغاتی.
۴. اولین شغل آملیا در کجا بود؟
۱. کارواش
 ۲. رستوران
 ۳. اسباب بازی فروشی
 ۴. گل فروشی
۵. جایزه مسابقه دوچرخه سواری چه بود؟
۱. ۱۰۰ دلار پول نقد
 ۲. یک دوچرخه
 ۳. یک اسکیت
 ۴. یک اسکوتر